

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۶ مارچ ۲۰۲۳

جواهرات ملکه "ثریا" نزد "ملاله یوسفزی" چه می کند؟

چهارشنبه- ۲۴ حوت ۱۴۰۱ - کابل: احتمالاً شما هم به مانند این قلم مطلع شده باشید که "ملاله یوسفزی" خانمی که چند سال قبل، یعنی زمانی که درگیری بین "آی. اس. آی" و نهاد های مذهبی به اوج خود رسیده بود، بعد از حمله ای که از جانب تروریست های اسلامی علیه وی صورت گرفت، "آی. اس. آی." از آن سود جسته، نه تنها وی را به مثابه نماد مبارزه برای حقوق بشر و آزادی زنان پاکستان و حتا منطقه به خورد رسانه های متحد خودش داد، بلکه کار را تا جایی رسانید که جایزه دفاع حقوق بشر "نوبل" را نیز دریافت دارد؛ حین شرکت در مراسم توزیع جوایز اسکار، به زعم خودش گویا به ملکه "ثریا" همسر اعلیحضرت امان الله خان و نخستین زنی که در کشور های اسلامی دقیقاً ۱۰۰ سال قبل از امروز حجاب برافگند، با جواهرات نامبرده خود را آراسته بود.

به یقین در جریان این نکته هم قرار دارید که آن آرایش، موافقان و مخالفان گسترده ای در رسانه های حقیقی و مجازی یافته، از یک سو عده ای وی را به خاطر این حرمت گذاری ستایش نموده اند و از سوی دیگر جم غفیری از زنان دختران افغان، این حرکت را توهین به سایر زنان افغان دانسته اند. در یادداشت امروز من نمی خواهم وارد این بحث شوم که آیا کار خوب بوده و یا بد، بلکه توجه شما خوانندگان گرامی را به دو نکته دیگری جلب می نمایم که با تأسف قلم به دستان ما آگاهانه و یا نا آگاهانه نمی خواهند آن را ببینند و درک نمایند. این دو نکته:

۱- با در نظر داشت این که جوایز اسکار و اصولاً محافلی که برای توزیع چنین جوایز دایر می گردند عالی ترین محل ارجگذاری فعالیت های هنری- سینمایی چه به صورت فلم های هنری و چه هم مستند نه تنها در ایلات متحده امریکا بلکه در سطح جهان نیز می باشد، نخستین سؤالی که مطرح می گردد، چرایی حضور "ملاله یوسفزی" در چنان محفلی است. با در نظر داشت این که خانم "ملاله یوسفزی" نه هنر پیشه و یا هنرمند و حتا نویسنده یک اثر هنری است و با در نظر داشت این که جوایز امسال اسکار را هم کدام فلمی که از مبارزات زنان و یا حقوق بشر سخن بگوید نبرده است، تا حضور خانم "ملاله یوسفزی" حد اقل یک بهانه به مثابه "بینی خمیری" بیابد، سؤال چرا حضور خانم "ملاله یوسفزی" را باید در جای دیگری جست و جو نمود.

هموطنان گرامی!

هرگاه خبر های جهان را با دقت تعقیب نموده باشید، حتماً مطلع شده اید که "زلینسکی" چوکره "بایدن" و تا کنون دشمن خلقهای اوکراین و روس، چند روز قبل از برگزاری محفل توزیع جوایز با صد واسطه و وسیله خواستار شده بود تا در

مراسم توزیع جوایز سخنرانی نماید و گویا آن محفل هالیوود را به میز خطابه طرفداران سیاست های کاخ سفید به ارتباط اوکراین مبدل بسازد. پیشنهادی که علی رغ موجود و تضرع تمام واسطه و وسیله ها از وزارت خارجه امریکا گرفته تا کاخ سفید از جانب برگزارکنندگان محفل زیر عنوان پرهیز از اختلاط هنر با سیاست رد شد. مگر عکس آن تصمیم، خانم "ملاله یوسفزی" دعوت شد تا علیه زن ستیزی طالبان و کلیت اسلام سیاسی سخنرانی و حضور سیاسی داشته باشد.

هموطنان گرامی!

علت این تناقض در تصمیم گیری نه علاقه برگزار کنندگان اسکار به من و تو است و نه هم نفرت آنها از زلینسکی، بلکه علت، تضاد است که بین کمیته برگزارکننده اسکار که عمدتاً زیر نفوذ بزرگ سرمایه امپریالیسم امریکا و حزب جمهوریخواه قرار دارد، به نمایندگی از آن حزب، علیه کاخ سفید می باشد. برگزار کنندگان محفل جوایز اسکار با دعوت از "ملاله یوسفزی" خوراک تبلیغاتی بزرگی برای رسانه های طرفدار خودشان و مخالف کاخ سفید و "بایدن" فراهم نمودند. لذا ما نباید زیاد خوشحال باشیم که وجود زن ستیزی در افغانستان، حتا بر اسکار نیز سایه انداخته بود.

۲- دومین نکته ای که می باید در اینجا از خود و از دیگران پرسید، وجود جواهرات ملکه "ثریا" ۱۰۰ سال بعد از مسافرت اروپائی اش و چیزی بیشتر از ۹۰ سال پس سقوط سلسله آنها نزد این دختر پاکستانی است. روشن تر باید پرسید که "ملاله یوسفزی" آن جواهرات را از کجا و به چه طریق به دست آورده است؟ اصولاً آن جواهرات آیا بخشی از جواهرات سلطنتی قید شده بود و یا شخصی؟ هرگاه به مثابه جواهرات سلطنتی قید شده بود، چه کسی آن جواهرات را که ملکیت مردم افغانستان است به خانم "ملاله یوسفزی" تحفه داده داده و یا فروخته است؟ فراموش نکنید و قتی ما از "الماس کوه نور" و برگرداندن آن به افغانستان و یا هند یاد می نمایم، دلیل چنین تقاضائی تعلق آن الماس به جواهرات سلطنتی و در نهایت به مردم است، در اینجا بدون آن که مسأله قیمت در میان باشد، اصل مالکیت بدون در نظر داشت قیمت اصالت می یابد؟

هرگاه این جواهرات شخصی و متعلق به شخص "ملکه ثریا" بوده باشد، باز هم سؤال مطرح می گردد که تا حال در کجا و نزد چه کسی بوده؟ آیا به مثابه یک اثر قدیمه درج موزیم و آرشیف ملی بوده است و یا خیر؟
هموطنان گرامی!

ببینید با طرح چنین سوالاتی و پیگیری آن، سرنخی را که حین چپاول موزیم کابل و بقیه آثار تاریخی کشور در زمان سگ جنگی های جهادی ها و دوران حاکمیت طالب، به وسیله "آی. اس. آی." صورت گرفت، از همین جا تعقیب نمایم. این که قادر خواهیم شد اموال به سرقت رفته از موزیم ها و آرشیف ملی را مجدداً به افغانستان برگردانیم، ممکن است روشن نباشد، مگر آنچه مسلم است پیگیری همین یک مسأله از زوایه ای که در اینجا مطرح گردید، دزدان و سارقان اموال مردم ما را از نمایش آشکار آثار به سرقت برده ما باز خواهد داشت و من بعد کس و یا کسان دیگری جرأت نخواهند نمود تا این چنین به خلق ما توهین روا بدارند.

مسلم است که اگر طالب و نظام ملاسالار دست نشانده و سگ دربان و غلام "آی. اس. آی." نمی بود و نباشند، دنبال قضیه را گرفته، جواهرات "ملکه ثریا" را چه به مثابه مالکیت دولتی مسروقه و چه هم به مثابه یک اثر باستانی به کشور باز خواهد آورد.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!
مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!